

فصلنامه تحقیقات جدید علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۱-۸۱
New Period. No 34. 2022, p 81-91

شماره شاپا (۲۵۸۸-۳۵۹۳) ISSN: (2588-3593)

ناصر خسرو بین آرزو و واقعیت

أ.م.د. نضال جمیل غضب

جامعة الكوفة/ ك اللغات/ لغة فارسية

چکیده

شاعر بزرگ که تلاش زیادی کرد تا به آینده نگاه کند و خود را با تلاش زیاد در زمینه‌های مختلف اثبات کند، همانطور که فکر می‌کند نمی‌دانست آینده چه چیزی برای او پنهان می‌کند. در این تحقیق، که شامل سه بخش است، مبحث یکم شامل زندگی و اصل و زندگی شاعر علاوه بر آثار او، مبحث دوم شامل آشفته‌گی‌ها و دگرگونی‌هایی بود که وی در آن دوره با آن روبرو کرده بود و تحول در زندگی او و ویژگی‌های شعر خود باشد، و مبحث سوم شامل سبک و افکار شاعر و ایده‌ها و نوشته‌های او بود و نوشتن این تحقیق پرسش‌هایی را مطرح می‌کرد، از آن جمله: چرا او دعوت اسماعیلی را انتخاب کرد و آیا در این کار موفق بود، آیا در نوشته‌های نثر و شاعرانه خود به مرحله کمال رسید، آیا همان چیزی را که سزاوار شهرت آن بود، که مانند اسلاف قبلی خود، انجام داد؟ آیا توره‌های او را در جهان غنی می‌کرد، ما در این محتوای تحقیقاتی که در دست شماست، پاسخ آن را در این مقاله پیدا خواهید کرد.

واژه‌های کلیدی: تلاش، مطالعه، دعوت، توره‌ها، اسلامی، شعر، نثر، آشفته‌گی.



المخلص:

الشاعر الكبير الذي حاول جاهداً التطلع إلى المستقبل وإثبات نفسه بجهد كبير في مختلف المجالات، وكأنه لا يعرف ما يخبئه المستقبل له. في هذا البحث الذي يتألف من ثلاثة أجزاء، الموضوع الأول يشمل حياة الشاعر بالإضافة إلى أعماله، والموضوع الثاني يشمل الاضطرابات والتغيرات التي واجهها في تلك الفترة والتغيير في حياته وخصائصه. الشعر.. أما المبحث الثالث فقد تضمن أسلوب وأفكار الشاعر وأفكاره وكتابات. أثارت كتابة هذا البحث أسئلة منها: لماذا اختار الدعوة الإسماعيلية وهل نجح في ذلك، وهل وصل إلى الكمال في النثر والشعر، وهل هو شاعر يستحق الشهرة، وهل هو مثل أسلافه فعل ذلك؟ هل أثرى جولاته في العالم سنجد الجواب في هذا المحتوى البحثي الذي بين يديك.

كلمات مفتاحية: جهد - دراسة - دعوة - رحلات - إسلامية - شعر - نثر - فوضى - منفى

Khosrow Ghobadiani between aspirations and reality

SUMMARY

The great poet who tried hard to look to the future and prove himself with great effort in various fields, as if he did not know what the future holds for him. In this research, which consists of three parts, the first topic includes the life of the poet in addition to his works, the second topic includes the turmoil and changes that he faced in that period and the change in his life and the characteristics of his poetry. The third topic included the style and thoughts of the poet and his ideas and writings. Writing this research raised questions, including: Why did he choose the Ismaili invitation and was he successful in doing so, did he reach perfection in his prose and poetry, did he deserve what he deserves? Was he, like his predecessors? Did he enrich his tours in the world, we will find the answer in this research content in your hand.

Keywords: Effort, Study, Invitation, Tours, Islamic, Poetry, Prose, Chaos, Exile

پیشگفتار

شعر فارسی که در میان ادبیات جهان از جایگاه ممتازی برخوردار است، مورد تحسین و تشویق شرق شناسان و علاقه مندان به این ادبیات زیبا قرار گرفته است، که باعث ایجاد قامتهای بلند بسیاری شده است که تأثیر مهمی در صحنه شرقی منطقه بر جای گذاشته است.

فاله‌های شعر اسلامی ایرانی در اواخر قرن دوم هجری و اوایل قرن سوم ظاهر شد و تولد این نوع شعر فارسی است که در مجاورت شعر عربی پدید آمد و از آن الگو گرفت. مردم ایران مردمی با تمدن باستانی بودند و طبیعی است که آنها دارای شعر، نثر و سایر رنگهای تمدنی باشند.

ابو معین ناصر خسرو یکی از ثمرات این نزدیکی میان دو تا تمدن بزرگ عربی و فارسی باشد، ابو معین شاعر توانای سده ی پنجم هجر در میان قصیده سرایان از مرتبه الی بلند برخوردار است. گزیده ی حاضر بدین قصد فراهم آمده است تا خوانندگان و علاقه مندان شعر فارسی را در زمانی نسبتاً کوتاه با بهترین اشعار و مهمترین و یژگیهای شعری این شاعر معروف آشنا سازد.

اگر ناصر خسرو امروزه در ایران از شهرت و محبوبیت کمتری نسبت به دیگر شاعران و نویسندگان ومورخان ایرانی بزرگ برخوردار است، دلایل آن ممکن است به وفاداری وی به مکتب اسماعیلیه مربوط باشد. این وفاداری او را با فرقه های اسلامی موجود در ایران در آن زمان در تضاد قرار داد.

مبحث یکم:

اسم و رسم و مولد و حسب و نسب شاعر

ناصر خسرو نویسندگان در تعیین سال تولد وی اختلاف نظر داشتند. به عنوان مثال خانم فاطمه پاکرو در کتاب وی می گوید که ناصر خسرو در سال ۳۹۱ هجری قمری متولد شده است (پاکرو، ۱۳۸۴: ۴۶) در حالی که دکتر بدیع محمد جمعه می گوید که تولد ناصر خسرو در سال ۳۹۲ هجری قمری متولد شده بود. حکیم ناصر بن خسرو بن حارث القبادیانی البلخی المروزی مکنی ابو معین و ملقب و متخلص به (حُجّت) در ماه ذی القعدة از شهر سنه ی ۳۹۴ هجری قمری (مطابق با تیر یا مرداد ماه سنه ی ۳۸۲ هجری شمسی)، از شاعران بزرگ فارسی زبان حکیم و جهانگرد ایرانی است. او در خداشناسی و دین داری مردی استوار بوده است و مناعت طبع، بلندی همت و عزت نفس از سراسر گفتارش آشکاراست. وی در اشعارش قرآن بهره ی فراوانی گرفته است. (فلاح، ۱۳۹۴: ۵۵)، ظاهراً در قبادیان از نواحی بلخ متولد شده و بعد از سنه ی ۴۶۰ و به روایت اقرب به صحت در سنه ی ۴۸۱ در یمگان از اعمال بد خشان وفات یافته است.

عنوان حکیم در ضمن آخرین رساله ی مختصری خود در کتب و اشعارش خیلی ذکر می شود و واقعا از حکما بوده و از اشعار وی و مخصوصاً از کتاب زاد المسافرین و روشنائی نامه دیده می شود که به فلسفه ی ارسطو و افلاطون و فارابی و ابن سینا آشنا بوده و بسیاری از تألیفات حکمای قدیم یونان را خوانده و از آنها ذکر می کند. لقب حجت که اشعار او پر از آن است و اغلب مانند تخلص شعری می آید ناشی از این بوده که وی بعد از بازگشت از مصر به خراسان یکی از حجت های دوازده گانه دعوت فاطمی بود و از طرف هشتمین خلیفه ی فاطمی المستنصر بالله ابوتمیم معد بن علی که از سال ۴۲۷-۴۸۷ خلافت کرد حجت جزیره ی خراسان انتخاب شده و برای نشر و پخش دعوت در ایران و ما وراء النهر ارسال و مأمور شده بود و به همین جهت خود را گاهی (حجت) و گاهی (حجت خراسان) و (گاهی حجت مستنصری) و گاهی حجت فرزند رسول (ص) و گاهی (حجت نایب پیغمبر ص) و گاهی (سفیر) و گاهی (مأمور) و گاهی امین امام زمان (عج) و گاهی مستعین محمد (ص) و گاهی برگزیده ی علی المرتضی (ع) می نامد. شهرت علوی که به اسم او در کتب تذکره و غیره تردیف می شود مأخذ و اساس صحیحی ندارد و ظاهراً از



جعلیات متأخرین است، نسب او را با پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رساند. در سفرنامه خود قبادیانی مروزی می‌خواند. بودن او از قبادیان جایی از نواحی بلخ بوده و بلخ خانه ومسکن خویش و از ان اخراج کرده همانطور که در سفرنامه ی خود اشاره کرده (خسرو، ۱۳۷۸: ۸، ۹) " روشن است که این مرد در منطقه ی سرسبز و آب گوارا زندگی می کرد آن او را تحت تاثیر مثبت قرار داده و زحمت کشید که هر کجا رفته علم و دانش تحصیل میکرد تا به حدی رسیده در طی سفر خود به مصر مرد اعتماد فاطمیان قرار گرفته بود "

جوانی و تحصیلات و مسافرت‌های او

شاعر از ابتدای جوانی زحمت بسیار بخاطر تحصیل علوم و فنون و السنه و ادبیات کشیده، قرآن را خوب درک کرده و تمام علوم متداوله ی عقلی و نقلی آن زمان و مخصوصا علمی یونانی از بطلموس و مجسطی و هندسه ی اقلیدس و طب و موسیقی و علم حساب و فلسفه و علوم کلام و حکمت متالهین تبحر پیدا کرده بود و او خود در اشعار و در سفرنامه ی خود به این علوم نشان داده بود در علم و حساب و مقابله و هندسه در عصر تدریس می کرده، در عذاب (بندر سودان در ساحل بحر).

کمتر و اغلب ایام کتب انیس و جلیس بوده پس از ادای حج کتب خودش را در مصر قلم می‌داد هیچ چیزی از مال دنیا نمانده بود مگر دو سله ی کتاب شتر کرایه کرد که به بصره برود. انقدر در بحث و بررسی مسائل شرایع بی پایان رنج برده و سر انجام وجدانش بیش از پیش مظطرب گردیده در پی تحرّی حقیقت افتاده و چنان که گذشت شاید برای درک حقیقت و حق و تسکین وجدان بی آرام خود بعضی مسافرت‌ها به ترکستان و هندوستان و سند کرده و با ارباب ادیان و مذاهب مختلفه معاشرت و مباحثات نموده ولی با این همه جویندگی جواب شافی و تسکین به (چون و چرای) خود نیافته است. (خسرو، ۱۳۷۸: ۱۵).

آثار ناصر خسرو

(۱) نظم:

دیوان ناصر خسرو پس از جمع ابیات ان دیوان به ۱۵۰۰۰ بیت رسیده، شعر وی عمدتاً دارای یک قافیه و مدح است که هر قصیده یک قافیه دارد و هر بیت عبارتند از دو مصراع برابر هستند. دیوان اشعار شامل قصیده‌ها قطعه‌ها و مثنوی هاست. دیوان علاوه بر ستایشهای شامل اشعار کوتاهتر و رباعیات است. اشعار دیوان تا کنون به زبان انگلیسی مطالعه شده است و چهل قصیده با دست ویلسون و افانی سال ۱۹۷۷م ترجمه شده و در زمان اخیرتر خانم شیمیل با ترجمه و تحقیق بسیاری از برگزیده شعری کرده است.

مثنوی روشنایی نامه: ۵۹۲ بیت و موضوع ان وعظ و پند و حکمت است، این کتاب نثر و شعری با همین نام است که خوشبختانه این کتاب منثور نام دیگری دارد بنام شیش فصل است.

مثنوی سعادت نامه: ویکنز سعادت- نامه را به زبان انگلیسی سال ۱۹۵۵ ترجمه کرده بدون جانبداری از هیچ طرفی ناصر خسرو یا ناصر خسرو اصفهانی کرده است.

۲) نثر

أ) جامع الحکمتین ناصر خسرو این کتاب را در شرح قصیده ی خواجه ابو الهیثم - که درباره ی اصول عقاید اسمعیلیه پرسش هایی کرده بود - نوشته است.

ب) سفرنامه: که سفرنامه ی حج ناصر خسرو می باشد. او در آن اخبار سفر خود را که به مدت هفت سال متوالی به طول انجامید و در بیشتر کشورهای جهان اسلام گشت، ثبت کرده و به همین دلیل این کتاب در جغرافیای کشورهایی که از آنها بازدید کرده است از اهمیت بالایی برخوردار است. به عنوان تاریخ آنها همانطور که توصیف هر منطقه ای بود که از آن بازدید با توصیف دقیق به وضعیت سیاسی هر منطقه را ارائه می داد. آنچه این کتاب را متمایز می کند این است که سبک آن به دو از تظاهر و اغراق در ساختگی بود، او در این کار موفق شد، زیرا این کتاب در بین همه شهرت زیادی یافت. این کتاب چندین بار چاپ شد و به چندین زبان از جمله فرانسه سال ۱۸۸۱م توسط استاد شیفر، و به زبان عربی توسط دکتر یحیا خشاب ترجمه کرده بود. (جمعه، ۱۹۸۳: ص ۴۳)

ج) **زاد المسافرین:** از جمله مهم ترین کتاب های کلامی اسمعیلیه شمرده می شود. علاوه بر این در این کتاب، او به موضوعات طبیعی مانند ماده ی ساده، بدن، حرکت، زمان و مکان، آفرینش، علت و معلول، پاداش و مجازات و همچنین بحث در مورد ماهیت اصلی روح و فعالیت های انسانی آن اشاره می کند.

ح) **وجه دین (روی دین):** در این کتاب از مسائل کلامی و تأویلات و باطن عبادات و احکام شریعت به شیوه ی اسماعیلیان بحث شده است که این کتاب همان جلد سطحی یا ظاهر را در نظر بگیرد که حقیقت درونی را پنهان می کند ناصر خسرو به آیه قرآنی اشاره می کند (کل شیء هالک الا وجهه) (جمعه، ۱۹۸۳: ص ۸۸)

خ) **خوان اخوان:** کتابی در اخلاق و عقاید اسمعیلیه است که به ۱۰۰ فصل تحقیق شده بود و در آن اشاره به تفاوت بین روح و جان و اینکه چگونه فراوانی در این جهان از طریق خلق به دست می آید، قدرت معنوی برتر از قدرت مادی است و شهادت کلید بهشت است.

د) **گشایش و رهایش:** این کتاب در جواب چند سؤال است که یکی از برادران مذهبی ناصر خسرو کرده و او آن‌ها را جواب داده و دشواری‌های آن‌ها را گشوده است. ترکیبی از فصل‌های ابو یعقوب السجستانی و فصل‌های جدید ناصر خسرو است و شاید این کتاب که به زبان عربی نوشته شده بود ناصر خسرو به زبان فارسی ترجمه کرده باشد. (هنزیرغر، ۲۰۰۳: ۴۰، ۴۱)



مبحث دوم:

آشننگی و آغاز تحول در زندگی او

عاقبت حکیم حقیقت جوی ما که ذهن و قَاد و خاطر تیز او به اصول نقلی و عقلی زمان خود که اذهان متوسط را تسکین می داد قناعت نمی کرد به واسطه ی خوابی که در ماه جمادی الآخر سنه ی ۴۳۷ دید به قصد وصول به حقیقت به سفر قبله عازم و با برادر کهنتر خود ابو سعید و یک غلام هندی روانه ی حجاز شدند. این مسافرت که هفت سال طول کشیده و با عودت به بلخ در جمادی الآخر سال ۴۴۴ دیدار برادر دیگر خود خواجه ابو الفتح عبد الجلیل خاتمه یافته مبدء یک دوره ی جدید زندگانی اوست. در این سفر چهار بار حج کرده و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان و آسیای صغیر و حلب و طرابلس، شام و سوریه و فلسطین و جزیره العرب و مصر (که نزدیک به سه سال پنجا بوده) و قیروان در (تونس) و نوبه و سودان را سیاحت کرده و پس از آنکه بیشتر ایام خود را در پایتخت خلفای فاطمی یعنی مصر به سربرده و در آنجا داخل مذهب اسمعیلیه و طریقه ی فاطمیان شده به قصد ترویج آن مذهب و نشر دعوت فاطمی در خراسان به وطن خویش باز گشته است. مشار الیه درجات سیر باطنیه را طی کرده و از مراتب مستجیب و ماذون و داعی بالاتر رفته به مقام حجّتی رسیده و یکی از حجّت های ۱۲ گانه ی فاطمیان در ۱۲ جزیره ی نشر دعوت شده از طرف امام فاطمی آن زمان ابو تمیم معد بن علی المستنصر بالله (حجّت جزیره ی خراسان) تعیین شد. (استدلال به انتباه ناصر خسرو در چهل سالگی نموده و گوید در چهل سالگی وی به طلب حقیقت افتاده و از آن تاریخ تا سن چهار و دو سالگی یا چهل و دو و نیم مسافرت هایی کرده ولی به مقصود نرسید تا به واسطه ی دیدن خوابی در ۴۳ سالگی به طرف قبله عازم شدن در چهل و دو سالگی نفس او "جویای خرد" حقیقت شد). ص ۱۵ و به این دعوت مردم به طریقه ی اسماعیلیه و بیعت فاطمیان در ممالک خراسان سرپرستی شیعیان آن سامان و به قول خودش شبانی رمه ی متابعان دین حق، در اشعار خود او اشارات بی شمار هست و در زاد المسافرین هم گوید (خسرو، ۱۳۷۸: ۱۶).

ویژگی های شعر ناصر خسرو

از خصوصیات شعر برجسته ی شعرش این است که هرگز دیوان خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خویش آورده، همه، چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. ناصر خسرو از قدیم ترین کسانی است که مثنوی های کامل در میان حکم و مواعظ ساخته اند. قصاید او نیز هیچگاه از این افکار دور نیست. قصیده های او بیشتر به خطبه های بلیغ و سرشاری شباهت دارد که تمام اجزاء آن با تسلسل منطقی و طبیعی همراه است و در این قصاید، وی خویش را با عنوان "ناصر خسرو"، "ناصر"، "حجّت"، "حجّت خراسان"، "وحجّت زمین خراسان" یاد کرده است (سفیدگر شهانقی، ۱۳۸۸: ۴۰۳).



مبحث سوم:

سبک و افکار

ناصر خسرو در روش قصیده استادی نشان داده و بعد از قصیده بمتنوی پرداخته و باقسام دیگر شعر وقع زیاد ننهاد هدف قسم اعظم قصاید ناصر خسرو بحث و استدلال در مسائل دینی و دعوت به ایمان و معنویت و تحقیر دنیای مادی و اعراض از آرایشها و فریبهای این جهان فانی و تحریض بر انتباه و ریاضت و تقوی و تحریک بر جوع از ظاهر بیاطن است. با این روش اشعار او از جهانی از اشعار قصیده سرایا، معروف فرق دارد که از آنجمله عارف بودن از تغزل و مدیحه سرائست چنانکه در قصیده معروف که با این مطلع شروع می کند:

چرخ نیلوفری

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد و خیره سری را
همی تا کند پیشه، عادت همی کن جهان مر جفا را، تو مر صابری را
هم امروز از پشت بارت بیفگن میفگن به فردا مر این داوری را
(زل الهموم عن کاهلک و واصل اعمالک ولا تتکاع یوم القیامه باحکامک)
چو تو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختری را
خطاب به شاعر گوید:

بعلم و بگوهر کنی مدحت آنرا که مایه است مر جهل و بد گوهری را
بنظم اندر آری دروغ و طمع را دروغست سرمایه مر کافری را
روشنترین راهها برای دریافتن حقیقت بنظر او از راه علم است و بسا که در قصاید خود از فضیلت دانش و بینش سخن میراناز آنجمله گوید:

علم و حکمت را طلب کن گر طرب جوئی همی
تا بشاخ علم و حکمت پر طرب یابی رطب
تن بجان زنده است و جان زنده بعلم
دانش اندر کان جانت گوهر است
علم جان جان تست ای هوشیار
گر بجوئی جان جان را در خور است

ولی شایان ذکر است که این علم که شاعر حکیم بدان دعوت می نماید علم مستقل از دین و ایمان نیست چنانکه تمسک بر آن شیمه فلاسفه میباشد:

سر علمها علم دین است کان مثل میوه ی باغ پیغمبر است
باب معرفت و کانون علم بعقیده او مطابق مذهب اسماعیلیه امام زمان یا نایب و حجت او ست پس در عقاید ناصر خسرو و عقل و ایمان در وهله آخر بهم مربوط میگردند:



حُجّت نور است رهبری زی او پوی تا علم دینت نیک شود والا
از فحوای سخنان ناصر خسرو و مفهوم چنین میگردد که علم امام مستند بکشف و الهام مستقیم است و
نیروی یک عالم حقیقی را در وراء این عالم ظاهری قائل است که از دیده ی ظاهر بین نهان است و تنها
کسانی توانند آنرا درک نمایند که خشم نهان بین داشته باشند یعنی استعداد کشف در آنها ظهور نماید پس
بحکم این نکته اخیر میتوان گفت عقاید وی با وجود قول او بعقل و تحریض بعلم از صبغه ی تصوف آزاد
نیست در این معنی گوید:

بچشم نهان بین نهان جهان را که چشم عیان بین نبیند نهانرا
نهان در جهان چیست آزاده مردم نبینی نهان را ببینی عیان را
جهان را به آهن نشایدش بستن بزنجیر حکمت ببند این جهان را
شاعر بلند خیال نیک متوجه است که دانش باید بسته بکردار باشد علم بیعمل فایده ندارد و مانند اینست
کسی زرگر باشد زرکار نکند که مانند زنبور بی عسل است:
و آنکو نکند طاعت علمش نبود علم زرگر نبود مرد جو برزرنکند کار
(شفق، ۱۳۴۱: ۱۴۳، ۱۴۴)

"مشخص است که این مرد عالم همانطوریکه برای خود دوست دارد برای دیگران کار علم نیک دوست
دارد، عارف تمام عیار است که از نوشتن شعر تواناست با استفاده از حکمت و واژه های دعوت برای
هدایت مردم به کار و حکمت و راه اندازی فکر باطن خود را برای بهره برداری در زندگی آینده آنها که از
نقطه نظر عقل زینت است که ای انسان حد توانا استفاده از این نعمت کنی"
گویند عقابی به در شهری برخاست وز بهر طمع پرّبه پرواز بیاراست
ناگه ز یکی گوشه از این سخت کمانی تیری ز قضای بد بگشاد بر او راست
در بال عقاب آمد آن تیر جگر دوز و ز ابر مر او را به سوی خاک فرو خواست
زی تیر نگه کرد، پرخویش بر او دید گفتا: (ز که نالیم؟ که از ماست که بر ماست)

نشیده ای که زیر چناری کدوئینی
بررُست و بردوید بر او بر به روز بیست؟
پرسید از آن چنار که تو چند ساله ای؟
گفتا: (دویست باشد و اکنون زیادتی است)
خندید از او کدو که: (من از تو به بیست روز
برتر شدم، بگو تو که این کاهلی ز چیست؟)
او را چنار گفت که: (امروز ای کدو
با تو مرا هنوز نه هنگام داوری است



فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان
آن که شود پدید که از ما دو مرد کیست)
(رجب زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۹، ۲۱۰)

دعوت و تبعید

ناصر خسرو پس از ترک قاهره بعنوان حجت در خراسان تعیین شده بود هنگام انجام کار خود در موعظه دادن خیلی مشکلات از طرف اهل تشیع و اهل تسنن روبرو کرده بدلیل اینکه تفاوت در این زمینه که رهبری معنوی و زمانی باید به دست شیعیان باشد. و اهل تسنن فقط به خلفای چهار اعتراف می کردند از آنجا که فاطمیان به طور ایدئولوژیک و سیاسی اقتدار خلافت عباسی را به چالش کشیدند عباسیان از پایتخت خود بغداد شروع به کارزار تهدید کشتار و نوشته های مذهبی علیه فاطمی را انجام دادند. ناصر خسرو با سلجوقیان مشغول کار بوده چیزی که جلب نظر اینکه سلجوقیان سخت گیر بودند که حمایت محکم خود را از خلیفه ی عباسیان نشان دادند و علاوه بر این سرکوب فعالیت های دعوت مبلغین اسماعیلی بنفع خلیفه فاطمی کرده اند. پس از اینکه مشخص شده بود که زندگی ناصر خسرو در معرض خطر و تهدید بعلت دعوت خود حتی در منطقه ی خود بلخ بوده ناچار بود که به بدخشان کوهستانی رهسپار کند که در دربار علی بن الاسد شاهزاده ی اسماعیلی در جانی بنام یمگان قرار گرفت. (هنزیرغر، ۲۰۰۳: ص ۳۴) "این شاعر قربانی اختلافات اعتقادی و مذهبی بین فرقه های مذهبی شد که در کنترل بر برخی مناطق بودند. او زنده نماند تا زمانی که به نقطه مرزی صعود کرد بود، بنابراین شرایط خود را حفظ کرد و مانند یک نی از راه دور شروع نظم شعر کرد و ملت خود را شدیداً مقصر دانست، بنابراین او زیباترین اشعار را با اشتیاق برای زادگاهش خواند و خانواده خود و کسانی که آنها را می شناختند و او را از خانه بیرون کردند سرزنش کرد."

بگذر ای باد دل افروز خراسانی
اندر این تنگی بی راحت بنشسته
بر یکی مانده به یمگان دره زندانی
خالی از نعمت و ز ضیعت ودهقانی
برده این چرخ جفا پیشه به بیدادی
ازدلش راحت وز تنش تن آسانی
(رجب زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۴)

نتیجه گیری:

شاعر توانست در چهارچوب سبک عالی در سطح شعر و نثر به دستاوردهایی دست یابد و کتابهای زیادی تألیف کرد که شهرت جهانی یافت و شاعر ثابت کرد که زندگی فانی است و انسان باید بهترین کار را انجام دهد و هرگز در مدح و ستایش اغراق نکرد. او نه تنها شاعر بود، بلکه مورخ، جغرافیدان و حکیم بود با آنچه در کتاب سفرنامه او به اثبات رسید، از تجربیات دیگران بهره گرفت و به شهرت علمی و دینی



دست یافت که از ویژگی‌های آن آشفتگی غیرمنتظره بود. جایی دور از خانه اش و شروع به ادامه نظم شعری که یکی از شگفت‌انگیزترین ابیاتی بود که او در حالی که از دور به میهن خود می‌نگریست می‌سرود.

پی‌نوشتها

۱. من روائع الادب الفارسی - دکتر بدیع محمد جمعه - ۱۹۸۳ ص ۴۱
۲. در سفرنامه ی خود را می‌خواند به احتمال القبادیانی مولاد والمروزی مسکنا
۳. چون ناصر خسرو در سنه ی ۴۴۴ از سفر حج به وطن خود برگشت وبعد به یمکان تبعید شدو در بیتی از اقامت ۱۵ ساله ی خود در یمکان حرف می‌زند لهذا اقلا باید تا سنه ی ۴۶۰ زنده بوده باشد
۴. زاد المسافرین ص ۲۵، ۹۸، ۲۷۸، ۳۱۸، ۳۴۳، ۴۲۱
۵. باطنیه اسماعیلیه بیروان خلفای فاطمی، خلیفه فاطمی را امام زمان دانسته و بلا فاصله ما دون او ۱۲ نقیب یا باب را قائل بودند که هر کدام از آنان به یک قسمت از ممالک دنیا برای نشر دعوت مأمور بودند
۶. در دیوان اشعار ناصر خسرو مانند تخلص شعرا دفعات بی شمار این لقب ذکر شده و در روشنائی نامه نیز دوبار آمده
۷. قوادیان هم نامیده می‌شود در یکی از مناطق جیحون در ناحیه ای به همان اسم قبادیان واقع بوده و به قول سمعانی منطقه ای آب شیرینی و گوارایی داشته و دارای باغ های قشنگ زیادی پر از سرو و درختان با صفا بوده
۸. استدلال به انتباه ناصر خسرو در چهل سالگی نموده و گوید در چهل سالگی وی به طلب حقیقت افتاده و از آن تاریخ تا سن جها و دو سالگی یا چهل و دو ونیم مسافرت هایی کرده ولی به مقصود نرسید تا به واسطه ی دیدن خوابی در ۴۳ سالگی به طرف قبله عازم شدن در چهل و دو سالگی نفس او "جویای خرد" حقیقت شد.



فهرست منابع و مآخذ

۱. پاکرو و فاطمه و فرزاد نازنین، فارسی عمومی سیری در ادبیات ایران و جهان، انتشارات روزگار، چاپ سوم، ۱۳۸۴
۲. جمعه، الدكتور محمد بدیع، انتشارات دار النهضة، چاپ دوم ۱۹۸۳م
۳. خسرو ناصر، دیوان ناصر خسرو
۴. رجب زاده شهرام، گزیده دیوان ناصر خسرو، چاپ پنجم، انتشارات قادیانی، ۱۳۷۷
۵. سفید گرشها نقی حمید، شرح حال و آثار شاعران و نویسندگان، انتشارات اهسته، چاپ دوم، ۱۳۸۸
۶. شفق، استاد رضا زاده، تاریخ ادبیات ایران برای دبیرستانها، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۱
۷. فلاح، دکتر غلامعلی، ادب نامه گزیده متون فارسی، انتشارات نافع نو، ۱۳۹۴
۸. گرابی غلامعلی و سادات حسینی، انتشارات لامک، چاپ اول، ۱۳۹۱
۹. هنزیرغر الیس، ترجمه: سیف الدین القصیر، ناصر خسرو یاقوتة بدخشان، انتشارات المدی، چاپ یکم، ۲۰۰۳م